



## یادداشت

به نام احیای "جمهوریت نظام" علیه بدیل جمهوریخواهی!

صادق کار



در سالگرد ۴۳ سالگی انقلاب و در شرایطی که بحران های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی رژیم آزادی کش و عدالت ستیز را در میان گرفته و نفس آن را به شمارش انداخته است و مردم در تقای کنازردن حکومت و انداختن طرح نوعی به جای این رژیم فاسد و پلید هستند، جریانات موسوم به اصلاح طلب و اعتدال که نگران فروریختن نظام مورد علاقه شان هستند دوباره دست بکار شده اند تا با سرهمبندی کردن بدیل دولتی هم به قدرت بازگردند و هم از سقوط و برکناری رژیم جلوگیری کنند. ظاهرا آنان بر این باورند که تشدید بحرانها و استیصال دولت رئیسی از یک سو و تشدید بی سابقه اعتراضات اجتماعی از سوی دیگر راه بازگشت آنان به قدرت را خواهد گشود و نهایتا رهبر هم بین سقوط رژیم و آنان دومی را بر خواهد گزید.

آنها که می دانند می بینند دولت یک دست مطلوب ولی فقیه ناتوانتر از آن است که بتواند از پس بحرانهای انباشته شده که در واقع نتیجه عملکرد همه دولتها و جناح های حکومتی طی ۴۳ سال گذشته است برآید و دولت مستأجل است بفرح طرح دوباره خود بعنوان دولت سایه و آلترناتیو بر آمده و تلاشهایی را از مدتی پیش در این جهت شروع کرده اند. اصلاح طلبان این بار نیز یک قدم دیگر به عقب برداشته و به سراغ محافظه کارانی چون، باهنر، لاریجانی و ناطق نوری رفته اند. این نشان می دهد که دغدغه آنان عدالت نیست اگر نه چگونه می شود از بی عدالتی گله کرد و شعار عدالتخواهانه داد و در همان حال در پی اتحاد با عدالت ستیزان شناخته شده ای مثل باهنر و لاریجانی و روحانی بود. اگر بنا به حرف باشد که رئیسی و دارو دسته اش از همه "عدالتخواه" تر هستند. عدالت، آزادی و سکولاریسم سه خواسته اساسی جامعه است، اکثریت مردم به هیچ جریانی که معتقد به این خواسته نباشد اعتماد نخواهد کرد.

گفته می شود در چهار چوب این رویکرد جلساتی بین خاتمی، ناطق نوری، روحانی، لاریجانی و باهنر جهت تشکیل یک اتحاد سیاسی بدیل برگزار شده است. بعضا اعلامیه بخشی از روحانیون حوزه های علمیه به بهانه سالگرد انقلاب را نیز در راستای این تلاشها می دانند.

در نشست های طیف های اصلاح طلب از یکسو صحبت از بازسازی وجه و اعتبار از دست رفته گذشته خود میان مردم بخاطر حمایت بی چون و چرا از دولت روحانی و سیاستهای آن می کنند، از سوی دیگر برای بازگشت به قدرت به سراغ تشکیل جبهه به سوی همانهایی می روند که به ادعای عده ای از اصلاح طلبان با دنباله روی و حمایت از آنان وجهه اصلاح طلبانه خود را قربانی همدستی و حمایت از سیاستهای راستگرایانه آنان کرده اند.

جدایی جریانات و افراد حامی رژیم در هنگام بحران از رژیم در همه جای دنیا طبیعی است و در تضعیف موقعیت رژیم های بحران زده نقش مثبت دارد و بهمین خاطر از طرف اپوزسیون معمولا مورد استقبال قرار می گیرد. ایران نیز از این قاعده نمی تواند مستثنی باشد.



اما تلاشهایی طیفهای از رانده شدگان و مغضوبین بارگاه ولایت برای تشکیل بدیل دولت رئیسی به فرض اینکه بگذارند و بتواند به جایی برسد، از این جنس نیست زیرا آنها بر خلاف میل خود از قدرت رانده شده‌اند. آنها به رغم اینکه از قدرت کم و بیش طرد شده‌اند، اما دلبستگی و وابستگی شان به حکومت را حفظ کرده‌اند. نهایت خواست آنها بازگشت به قدرت و انجام اصلاحاتی برای محکم کردن پایه های قدرت رژیم است.

افرادی مانند، روحانی، لاریجانی، باهنر و امثالهم که همگی از مهره‌های سر سپرده حکومت بوده‌اند و در ایجاد و گسترش استبداد و جنایاتی که در ۴۳ سال گذشته بر مردم روا رفته شریک و سهیم بوده‌اند و هنوز هم تلاش آنان حفظ نظام فقهاتی است. احیای جمهوریت نظام در واقع مستمسکی است برای پس گرفتن سهم آنان از قدرت و همچنین نگرانی از سقوط رژیم و مقابله با آلترناتیو های دمکراتیک و سکولار.

به جرات می توان گفت هیچ یک از افراد و دنبالچه های آنان خواهان رژیم غیر دینی و سکولار و انتخابات آزاد و آزادی فعالیت احزاب و اتحادیه های کارگری و برداشتن سانسور و برچیدن بساط رژیم فقهاتی نیستند. چون در آن صورت و در یک انتخابات به راستی آزاد کسی به آنان رای نمی دهد که نماینده و رئیس جمهور شوند. با هنر و ناطق نوری و لاریجانی و روحانی و خاتمی همگی مسئولیت های مهم سیاسی گذشته شان را مدیون همین سیستم استبدادی ۴۳ ساله هستند. اگر اینها و متعلقات شان را از دایره انتخابات بین خودی ها حذف نمی کردند و روال دوران خمینی ادامه پیدا می کرد، این جماعت امروزه در رخت احیای جمهوریت به تقلا نمی افتاد.

در زمینه عدالت اجتماعی و اقتصادی نیز دیدگاه های همه این ها با خامنه‌ای و رئیسی و محافظه کاران تنها در روش ها است که تفاوتی در بعضی زمینه ها دارد. تفاوت اقتصاد مقاومتی مطلوب خامنه‌ای با سیاست تعدیل رفسنجانی، سیاست احمدی نژاد، و نتولیرالی روحانی و اصلاح طلبان بیشتر در عناوین است تا محتوای. نتایج مجموعه این (دکترینها) همین افلاس اقتصادی فقر و بی عدالتی و شکاف طبقاتی و بی حقوقی کارگر و مزد بگیر و انباشت ثروتهای قارونی و قصرهای هارونی نزد وابستگان به قدرت و گرسنگی و بی خانمی و در به دری برای ملت است.

رژیم "جمهوری اسلامی" هیچگاه جمهوری واقعی نبوده است که جمهوریت اش تضعیف شده باشد و حالا عده‌ای بخواهند جمهوریت اش را احیا و باز سازی کنند. این یک نظام دینی فقهاتی استبدادی بوده و هست که تاکنون هم توسط ولی فقیه و گماستگان آن در نهادهای به اصطلاح انتخابی اداره شده است. احیای جمهوریت در عین حفظ بخش دینی و ولایی آن که رانده شدگان از قدرت دنبال آن هستند محال و اقدامی است علیه بدیل جمهوریخواهی سکولار و دمکرات و در خدمت حفظ حکومت.

این دو نتوانسته و نمی توانند در کنار هم دوام بیاورند زیرا سرایا در تصاد و تقابل قرار دارند. کما اینکه از ابتدا تا کنون نتوانسته‌اند با هم سر کنند و جمهوریت قربانی فقاقت شده است. بنا بر این "احیای جمهوریت نظام" مستمسکی بیش برای حفظ نظام توسط عده‌ای که حیات سیاسی و منافع اقتصادی شان با بقای رژیم گره خورده است نیست. اصلاح جمهوری اسلامی اگر میسر بود تا کنون انجام شده بود. مردم اصلاح ناپذیری حکومت را مدتهاست با گوشت و پوست خود لمس کرده و آن را در جنبش دی ۹۶، خیزش آبان ۹۸، خیزشهای آب در خوزستان و اصفهان و در بسیاری از اعتراضات توده‌ای و کارگری با شعار اصلاح طلب، اصولگرا دیگه تمامه ماجرا، و با تحریم انتخابات فرمایشی مجلس و ریاست جمهوری نشان داده‌اند. مردم خواهان گذر از این حکومت ارتجاعی و استبدادی ستمگر و فاسد و ذاتا متضاد با نیازهای جامعه و زمانه هستند. هم از این رو هر تلاشی برای حفظ چنین حکومتی و به هر بهانه‌ای، ایستادن در مقابل اراده و خواست مردم و ارتجاعی می باشد. امروزه در پی آن همه تجربیات تلخ و بی عدالتی که مردم از همه دولتهای تا کنونی دیده‌اند دست رد به سینه بدیل های قلبی خواهند زد.

**از اعتراض و مطالبات معلمان و فرهنگیان حمایت کنیم!**

**اعتصاب و تشکل جزء حقوق بدیهی کارگران و مزد و حقوق بگیران است!**



## کار بی ثبات: قاعده یا استثنا در سرمایه داری؟ بخش ششم

الویسا بتی



### تاریخ نگری به یک مباحثه امروزی، یک منظر جنسیتی جهانی

، جونل (Sara Mosoetsa) همگرایی جهانی در مناسبات استخدامی همچنین یکی از ارکان تحلیلی است که توسط سارا موزونتسا در موضوع ویژه‌ای که به کار بی ثبات از منظری جهانی اختصاص (Chris Tilly) و کریس تیلی (Joel Stillermann) استیلرمان داده شده است، مطرح شده است. نامبردگان به لطف دیدگاه تاریخی - جامعه شناختی شان، به بررسی اشکال کار بی ثبات در آفریقای جنوبی، هند، مکزیک، چین و ایتالیا پرداخته اند و توجه خاصی به تلاقی بین روند غیررسمی سازی کار و اشکال کار غیررسمی نشان داده اند.

### تردید در قاعده، ساختارشکنی استثنا

در پانزده سال اخیر برخی از محققان، با فرارفتن از رویکردهای تنگ بینانه‌ای که شرح شان گذشت، سهم به سزایی در درک نقش کار بی ثبات در تاریخ سرمایه داری ادا کرده اند. بعضی از آنان با بسط گستره جغرافیایی موضوع تحلیل و کار بست یک چشم انداز تاریخی بلندمدت به شمول دوگانه فورسیم و پسافوردیسم، "مدل استاندارد استخدام" را به عنوان شکل مرسوم و نرمال مناسبات استخدامی زیر سؤال بردند. با ملاحظه جهان جنوب، و نه فقط جهان شمال، "مدل استاندارد استخدام" به ناگهان به استثنائی تاریخی و تقریباً منحصر به مشخصه های غربی و حتی کشورهای اروپای غربی تبدیل شد، در حالی که کار بی ثبات به عنوان نرم یا قاعده تاریخی در تاریخ طولانی سرمایه داری چهره کرد.

برت نیلسون (Brett Neilson) و ند روسیتر (Ned Rossiter) از زمره نخستین کسانی بودند که استثنا بودن کار بی ثبات را مورد تردید قرار دادند، و مطرح کردند که کار بی ثبات باید با عباراتی نسبی در تمام تاریخ سرمایه داری فهمیده شود. به نظر آنان "کار بی ثبات تنها زمانی که در برابر نرمهای فوردی و کینزی قرار گیرد، پدیده ای بیقاعده به نظر خواهد رسید". با کار بست چشم اندازی وسیعتر و طولانیتر پیشزمینه لازم برای درک این موضوع را فراهم خواهد آورد که فوردیسم، و همراه با آن "مناسبات استخدامی استاندارد" یک استثنای واقعی سرمایه داری در "اپیزودی" تصادفی تر و کوتاه تر از آنچه تصور می شد، بوده است. نیلسون و روسیتر در عین حال خود با مبنا قرار دادن مفهوم پیچیده ای از سرمایه داری، تأکید می کنند که چگونگی کار بی ثبات با اشکال گوناگون سرمایه داری مرتبط است. به نظر آنها در واقع نمی توان نه فوردیسم و نه کل



سرمایه داری را به عنوان پدیده هائی همگن دید، زیرا هر دوی آنها مبتنی بر بافت ملی، جغرافیائی-فرهنگی، تاریخی و نیز تجربیات نهادینه شده ای شکل گرفته اند. این دو محقق با ملاحظه کار بی ثبات به عنوان قاعده تولید و بازتولید سرمایه داری "یا به عنوان "قاعده ای که مرزهای بین تولید و بازتولید سرمایه داری را محو می کند"، نقد فمینیستی از تحلیلهای فارغ از جنسیت روند رانده شدن کارگران به "بی ثبات کاران" را نیز پذیرفته اند.

برمان (Bremman) و ون درلیندن (Van Der Linden) با اتخاذ یک چشم انداز صریح جهانی، کار بی ثبات را در کنار کار غیررسمی و ناامن قاعده ای واقعی در مناسبات کاری جهانی، نه تنها در آخرین مرحله سرمایه داری بلکه نیز در عصر طلایی آن در قرن بیستم می دانند. به زعم آنان تنها کشورهای بی ثباتی که به طور کامل از "مناسبات استخدامی استاندارد"، آن هم در یک بازه محدود، یعنی در ربع سوم قرن بیستم، بهره بردند، کشورهای غربی بودند. در آن سالها ارائه حقوق مبتنی بر تأمین اجتماعی (همچون مرخصی استعلاجی و زایمان با حقوق، بیمه درمانی، حقوق بازنشستگی، مزایای بیکاری و از کارافتادگی) و همچنین افزایش دستمزد، حقوق کار و ثبات شغلی، برای کاهش نابرابری ها و ارتقاء استانداردهای زندگی مردم در سطحی که قبلاً هرگز سابقه نداشت، دارای اهمیت فوق العاده بود. برمان و ون درلیندن ایده همگرایی بین کشورهای غربی و جنوب جهانی را تا ارتباط بین گسترش کار غیررسمی و ناامن بسط می دهند و می نویسند: "این همانا غرب است که به احتمال قوی از بقیه تبعیت می کند و نه بقیه از غرب".

اولریک بک (Ulrick Beck)، جامعه شناس آلمانی، از جمله اولین کسانی بود که روایت توسعه گرا را معکوس کرد. طبق این روایت کشورهای در حال توسعه باید مسیر صنعتی شدن و مصرف انبوه را که پیشتر توسط کشورهای پیشرفته پذیرفته و طی شده است، دنبال کنند. نامبرده عبارت "برزلی شدن غرب" را ابداع کرد و به این ترتیب بر غیررسمی شدن متزاید شرایط کار در کشورهای غربی و همگرایی غیرمنتظره این شرایط با روال غیررسمی و بی ثبات کار در اقتصادهای پیرامونی جنوب جهانی انگشت گذاشت. او کار بی ثبات را به عنوان مشخصه عمومی آخرین مرحله سرمایه داری می فهمد و بر وجود انواع کار بی ثبات تأکید می کند.

همگرایی جهانی در مناسبات استخدامی همچنین یکی از ارکان تحلیلی است که توسط سارا موزوئتسا (Sara Mosoetsa)، جوئل استیلرمان (Joel Stillermann) و کریس تیلی (Chris Tilly) در موضوع ویژه ای که به کار بی ثبات از منظری جهانی اختصاص داده شده است، مطرح شده است. نامبردگان به لطف دیدگاه تاریخی - جامعه شناختی شان، به بررسی اشکال کار بی ثبات در آفریقای جنوبی، هند، مکزیک، چین و ایتالیا پرداخته اند و توجه خاصی به تلاقی بین روند غیررسمی سازی کار و اشکال کار غیررسمی نشان داده اند. آنها کار بی ثبات را نه تنها به عنوان قاعده سرمایه داری اعلام می کنند، بلکه گسترش آن در دوره های اخیر را به عنوان "بازگشت" به وضع معمول پس از وقفه ای که در دوره فور دیسم در چندین کشور - و نه در همه جا - رخ داده بود، تفسیر می کنند. آنها همچون نیلسون و راسیتر، تأکید دارند مدتهای مدیدی است که کار بی ثبات در اشکال و انواع مختلف در جنوب جهانی واقعیت داشته است.

**از اعتراضات و مطالبات کارگران و مزد و حقوق بگیران حمایت کنیم!**

**دستمزد و حقوق و سایر مطالبات کارگران و مزد و حقوق بگیران شاغل و بازنشسته  
باید به موقع و منظم پرداخت شود!**



برچیدن بساط ظالمانه شرکتهای پیمانکاری، کار مجلس نیست، کار خود کارگران است!

این دادنامه نیست، بیداد نامه است!

صادق



دیوان عدالت ستیز اداری که قبلا از فراز قانون کار و مجلس فرمایشی با استفاده از تناقضی که در تبصره های یک و دو ماده ۷ قانون کار وجود دارد حکم لغو امنیت شغلی کارگران را با تفسیری که از این ماده قانون ارائه داد صادر کرده بود اخیرا با صدور حکم جدیدی حق سنوات پایان کار کارگران را با همان روش شناخته شده و تفسیری که از ماده ۳۴ قانون کار نمود با یک چرخش قلم چند ده میلیون، کاهش داد. هیچ کدام از این تغییرات نیز از طرف وزرای کار که حفاظت از قانون و نظارت بر حسن اجرای آن را قانونا به عهده دارند، صورت نگرفت. که این سکوت معنی دیگری جز بی تعهدی به وظیفه و همراهی با این اعمال ارتجاعی ندارد.

در قانون کار مصوب ۱۳۶۹ که بطور یک طرفه و بدور از مشارکت کارگران در فرایند تدوین و تصویب آن پس از یک کشمکش طولانی میان جناح های حکومتی از تصویب شورای تشخیص مصلحت نظام گذشت، همانند خود رژیم در آن هنگام مملو از تناقضات است. وجود تناقضات متعدد راه تفسیر های مختلف از آن را بازگذاشته و به مسئولین نهادهای حکومتی اجازه می دهد قوانین کار را آنطور که باب میل و مطلوب منافع شان باشد تغییر دهند.



هر گاه هم به ماده‌ای برخورد می‌کنند که به خاطر داشتن صراحت تفسیر ناپذیر باشد، این موارد را که شمارشان هم اندک است یا از بیخ و بن بر می‌کنند و اگر شرایط اجازه این کار را به آنان ندهد، آن را تعلیق می‌کنند. هم از این رو موادی را که اندکی در جهت تامین حقوق کارگر است سالهاست که اجرا نمی‌کنند

اگر روزگاری جریان موسوم به "چپ اسلامی" وجود داشت که بر سر کم و کیف قانون کار با دست راستی های مونتلفه‌چی و شورای نگهبان و غیره درگیر و محل کار آنها برای تغییر قانون می‌شد، پس از استحالته این جریان دیگر هیچ مانعی در درون حکومت برای مخالفت با تغییر و امحای آن محدود مواد نسبتاً حمایتی قانون کار وجود نداشت که مزاحم کار نهادهای حکومتی نظام مدعی حامی "مستضعفین" شود

مانع بیرونی اما که خود کارگران هستند همواره وجود داشت و دارد. اینکه تا کنون نتوانسته‌اند در مجالس فرمایشی شان رسماً قانون کار را مطلوب نظر خودشان بکلی تغییر دهند و بجای آن کوشیده و می‌کوشند از طریق نهادهای محافظه کار ارتجاعی همچون "دیوان عدالت ادرا" و وزرای کار و غیره به صورت غیر قانونی این هدف را پیش ببرند، هیچ دلیل دیگری جز مقاومت و مبارزه کارگران در مقابل این تعرض غلامان حلقه بگوش صاحبان قدرت و ثروت ندارد

دیوان عدالت ستیز اداری که قبلاً از فراز قانون کار و مجلس فرمایشی با استفاده از تناقضی که در تبصره های یک و دو ماده ۷ قانون کار وجود دارد حکم لغو امنیت شغلی کارگران را با تفسیری که از این ماده قانون ارائه داد صادر کرده بود اخیراً با صدور حکم جدیدی حق سنوات پایان کار کارگران را با همان روش شناخته شده و تفسیری که از ماده ۳۴ قانون کار نمود با یک چرخش قلم چند ده میلیون، کاهش داد. هیچ کدام از این تغییرات نیز از طرف وزرای کار که حفاظت از قانون و نظارت بر حسن اجرای آن را قانوناً به عهده دارند، صورت نگرفت. که این سکوت معنی دیگری جز بی‌تعهدی به وظیفه و همراهی با این اعمال ارتجاعی ندارد

دیوان در واقع با صدور "دادنامه" شماره ۳۳۲۸ دادنامه قبلی خود را نیز دگرگون کرد

حق سنوات بر اساس مجموع دریافتی در هنگام بازنشستگی بخشی از حقوق کارگر و کارمند است که جمع می‌شود و در پایان کار به آنان داده می‌شود تا بتوانند بخشی از هزینه‌های دوران بازنشستگی شان را جبران کند و در واقع یک نوع پس انداز است که قانون برای کارگر در نظر گرفته است. کشمکش بر سر چگونگی محاسبه حق سنوات از مدتی پیش شروع شد از دیوان سر درآورد

موضوع اختلاف بر می‌گشت به تفسیر ماده ۳۴ قانون کار و تعریف مزد و حق السعی، کارفرمایان و دولتی‌ها می‌خواستند تنها دستمزد پایه کارگر ملاک پرداخت حق سنوات باشد و شامل مزایای مزدی دیگر کارگر نشود، کارگران خلاف آنان خواستار ملاک قرار دادن کل دریافتی ماهانه بودند. دیوان در مرحله اول رای به سود کارگران داد و دادنامه ای هم در این خصوص صادر کرد. اما مدت کوتاهی بعد، رای خود را به سود کارفرمایان دگرگون کرد

در این کشاکش کارگران مثل همیشه نماینده ای نداشتند که خواست آنان را نمایندگی کنند. آنان از طریق اخبار بعد از اتمام قضیه در جریان نتیجه قرار گرفتند. نمایندگان شوراهای اسلامی نیز در این قضیه نه اقدامی برای سازماندهی اعتراض کارگران کردند و نه خود توانستند نقش بازدارنده‌ای بازی کنند. آنان بعد از قطعی شدن بیداد نامه هم مثل همیشه به آه و ناله و چند نق و اعتراض بسنده کردند و به فرا افکنی پرداختند تا وجود بی‌خاصیت خود را توجیه کنند

در عوض با مقایسه تفاوت حق سنوات کارمندان با کارگران تلاش می‌کنند جهت اعتراض کارگران را از دیوان و خودشان بسوی کارمندان و کارکنان دولت منحرف کنند. اگر کارمند دولت حق سنوات خودش را می‌گیرد قاعدتاً نیایستی یک مدعی هواخواهی و نمایندگی حقوق کارگر با آن مخالفت نموده و تلاش کند میان کارگر و کارمند تفرقه بیندازد و جای دوست و دشمن را با هم عوض کند. دشمن کارگران در این قضیه کارکنان دولت نیستند، دیوان عدالت ستیز اداری و دستگاه های حکومتی پشتیبان آن هستند

برخورد تشکله‌ها و رسانه های تشکلهای حکومتی با این قضیه نیز کماکان مشابه رفتار های پیشین تفرقه بینداز و حکومت کن آنان است. با این منته تنها حقوق از دست رفته کارگر به او باز نمی‌گردد، بلکه با منحرف کردن جهت مبارزه همبستگی میان کارگر و کارمند هم تضعیف می‌شود و کیست که امروزه معنی و نتیجه این شگرد حساب شده مندرس را نداند؟

**از مبارزه بازنشستگان برای همسان سازی، افزایش حقوق و بیمه درمانی موثر و رایگان حمایت کنیم!**

**دولت باید به همه بیکاران حقوق بیکاری پرداخت کند!**

**ایجاد اشتغال برای بیکاران وظیفه دولت است!**



## گذر و نظری بر رویدادهای کارگری هفته

### جنگ کارگری



#### برگزاری پرشکوه اعتراضات سه روزه معلمان

معلمان و فرهنگیان شاغل و بازنشسته در روزهای ۹، ۱۰ و ۱۱ بهمن بار دیگر به فراخوان شورای هماهنگی تشکلهای صنفی پاسخ شایسته دادند و پس از دوروز تحصن و نرفتن سر کلاسهای درس در ۱۱ بهمن در شهرهای بزرگ و کوچک کشور به خیابان آمدند و پرشمارترین و گسترده ترین اعتراض سراسری خود را رقم زدند.

شرکت فعال و پرشکوه معلمان شاغل و بازنشسته در اعتراض سراسری ۱۱ بهمن در شرایطی برگزار شد که بساط تهدید و ارعاب و بگیر و ببند فعالین و رهبران شورای هماهنگی در شهرهای مختلف پهن بود و در روز ۱۱ بهمن نیز حداقل ۷ تن از سازمانگران اعتراض در چند شهر از جمله، تهران، اصفهان، شیراز و مریوان با یورش ماموران سرکوبگر رژیم به تجمع ها در شهرهای نامبرده بازداشت شدند و در میانه اعتراضات یکی از بیدادگاه های پاسدار بی عدالتی و استبداد برای جعفر ابراهیمی بازرس کشوری شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان حکم ۴ و نیم سال زندان تازه را به وی ابلاغ نمود.

با این همه هیچ کدام از این اقدامات نتوانست خللی در اراده پولادین فرهنگیان برای انجام اعتراض بوجود آورد و باعث ترس آنان شود. اعتراض سه روز گسترده تر و شکوهمندتر به صورتی به مراتب رادیکالتر از اعتراضات پیشین با موفقیت به اجرا درآمد و حکومت مجبور شد در اثر ادامه اعتراضات اکثر بازداشت شدگان را آزاد کند.

ما از طرف جنگ کارگری این موفقیت راه گشا را به معلمان و فرهنگیان خاصه به شورای هماهنگی شادباش می گوئیم و بار دیگر حمایت مان از مبارزات و مطالبات فرهنگیان شاغل و بازنشسته تا نیل به پیروزی اعلام می کنیم. ما همچنین حمله نیروهای سرکوبگر رژیم به تجمع های مسالمت آمیز و مدنی معلمان و بازداشت فعالین صنفی و صدور حکم ظالمانه زندان برای جعفر ابراهیمی را تقبیح و محکوم می کنیم و از همه مردم آزاده و عدالتخواه و نیروهای ترقیخواه تقاضا می کنیم که از مبارزات و مطالبات به حق معلمان و اهداف عدالتخواهانه آن حمایت و متحدانه برای آزادی معلمان زندانی و سایر زندانیان مدنی و سیاسی تلاش ورزند.

#### اعتصاب کارگران ماشین سازی تبریز

کارگران شرکت موتورسازان تراکتور سازی تبریز بار دیگر از ۹ بهمن اعتصاب دیگری را شروع کردند. افزایش دستمزد و ناهمخوان بودن دستمزد با تورم و عدم تحقق وعده های گذشته مدیریت شرکت انگیزه های این اعتصاب هستند. خواسته دیگر کارگران برخورداری از حق تشکل است. گفتنی است که در اعتصاب قبلی کارگران که در ۲۳ آبان امسال انجام گرفت، مدیریت قول رسیدگی به مطالبات



کارگران را داده بود اما چون به آن عمل نکرد کارگران دوباره اعتصاب کردند. دستمزدهای ناچیز زیر خط فقر و گرانی و تورم روز افزون محرک اصلی اکثر اعتصابات کارگری در سراسر کشور از جمله در ماشین سازی سازی تیریز هستند.

## اعتصاب پزشکان مناطق محروم

دامنه اعتراضات برای افزایش دستمزد در چهارشنبه این هفته به میان پزشکان شاغل در مناطق محروم کشور امتداد پیدا کرد و بنا به برخی گزارشات اعتراضاتی که از مدتی پیش نسبت به پرداخت نکردن کارانه پزشکان و تبعیض مالیاتی و کمی دستمزد جریان داشت به اعتصاب پزشکان مناطق محروم منجر شد.

اعتراضات دیگری نیز در هفته های اخیر و در ۹ بهمن از طرف پرستاران شرکتی نسبت به خلف وعده مسئولین که وعده استخدام مستقیم آنان را داده بودند و همچنین تعلل مکرر در پرداخت کارانه و قراردادهای ۸۹ روزه و غیره انجام شد. شروع اخراج پرستاران دارای قرارداد ۸۹ روزه با موج گسترده ای از اعتراضات پرستاران مواجه شد. این اعتراضات پس از وعده مجدد رسیدگی و استخدام ده ها هزار پرستار از میان شرکتی ها و پرداخت کارانه های پرداخت نشده موقتا کاهش پیدا کرد تا ببینند مدیران دولتی تا چه حد به وعده هایشان عمل می کنند. البته به غیر از پرستاران شرکتی پرستاران رسمی نیز به شدت از وضعیت شغلی و حقوق های ناچیز زیر خط فقر خود ناراضی و معترض هستند. گفته می شود حقوق پزشکان شاغل در مناطق محروم بدون احتساب کارانه ۵ میلیونی بین ۸ تا ۱۰ میلیون تومان است که ۳۵ درصد آن بابت مالیات کسر می شود. این در حالی است که به نوشته روزنامه ایران پزشکان بخش خصوصی در تهران ۱۰ درصد بابت مالیات حقوق هایشان می پردازند.

بهر حال دولت در موقعیتی نیست که بتواند با امتناع از موافقت با خواسته های کارکنان بخش درمان این موج اعتراضی را که دم به دم طوفانی تر می شود و سراسر کشور را در نور دیده فرونشاند. خواست افزایش دستمزد دیگر مختص یک گروه خاص نیست. یک خواست عمومی سراسری است که تا پاسخ درخور نگیرد آرام و قرار نمی گیرد. با این حقوق ها و تورم نمی شود ساخت. مبارزه و اعتراض پراکنده هم نیجه چندانی ندارد. برای رسیدن به این خواسته مشترک باید جمعی مبارزه کرد و موانع آن را بر طرف کرد.

## اعتصاب کارگران در پتروشیمی رازی و ساپک

به گزارش کانال تلگرامی شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت، اعتصاب کارگران پتروشیمی رازی که از ۴ بهمن در اعتراض به جلوگیری از ورود تعدادی از کارگران مطالبه گر شرکت به محل کارشان شروع شده بود در این هفته نیز تداوم داشته است. به نوشته این کانال خبری کارگری از آن موقع تا هنگام انتشار این خبر این اعتراض همه روزه به شکل راهپیمایی در محوطه شرکت انجام می شود.

همچنین کارگران شاغل در شرکت سبز آشیان آیدانا (ساپک) که کار ساخت مخازن پایپینگ و پیش راه در فاز ۲ پتروشیمی مروارید را انجام می دهند خبر از شروع اعتصاب خود در روز یکشنبه این هفته داده و دروازه های ورودی به شرکت را بسته اند. علت اعتصاب پرداخت نشدن مطالبات چند ماه گذشته ذکر شده است. لازم به ذکر است که عدم پرداخت به موقع مطالبات مزدی کارگران شرکتی نفتی که در گذشته کمتر معمول بود در ماه های اخیر بیشتر شده است.

## اعتصاب کارگران مجتمع "فولاد بوتیا ایرانیان" در کرمان

کارگران مجتمع "فولاد بوتیا ایرانیان" در ۱۱ بهمن در اعتراض به دستمزدهای زیر خط فقر دوباره اعتصاب کردند. این دومین اعتصاب کارگران در این ماه برای افزایش دستمزد است.

آنطور که در گزارش آمده است، قرار بوده پس از راه اندازی خط تولید در مجتمع فولاد بوتیا ایرانیان حقوق ها افزایش داده شود، ولی خلف وعده کرده اند. خواسته های کارگران علاوه بر افزایش دستمزد رفع تبعیض و همسان سازی دستمزد کارگران این مجتمع با کارگران زیر مجموعه شرکت مدیکو واقع در زرنند و سیرجان است. این بار نیز مدیر عامل مجتمع با یکی از نمایندگان بر سر خواسته های کارگران ملاقات و گفتگو داشته ولی به نظر این نماینده برخورد مدیر عامل مشابه برخوردهای گذشته بوده و از دادن وعده فراتر نرفته است. کارگران گفته اند اعتمادی به وعده های مدیران شرکت ندارند زیرا قبلا هم بارها زیر وعده های شان زده اند.

در یکی دو ماه اخیر نیز اعتراضات متعدد مشابهی در این مناطق از طرف کارگران معادن و کارخانه های مس و فلزات دیگر انجام گرفت که حاکی از نارضایتی و اعتراض گسترده در میان کارگران این منطقه ثروتمند و در عین حال با مردم فقیر است.

## مرگ دلخراش ۴ کار دیگر

در این هفته نیز حوادث کار یا در واقع سود خواهی مضاعف کارفرمایان قربانیان تازه ای گرفت. از میان حوادث این هفته اما تکه تکه شدن ۴ کارگر در ۱۰ بهمن در اثر انفجار دیگ بخار در کارخانه حلو شکری بیدک واقع در استان خراسان رضوی از همه دلخراشتر و





غم انگیز تر بود. همچنین مجروح شدن ۱۱ کارگر زن در اثر تصادف مینی بوس حامل آنان با یک کامیون در شهر صنعتی انزلی در ۱۳ بهمن از جمله حوادث شغلی هفته بودند. گفتنی است یک روز قبلتر نیز ۱۲ کارگر در اثر حادثه‌ی مشابهی مجروح شدند. در این اواخر گزارشات متعددی از تصادف سرویس های ایاب و ذهاب کارگران منتشر شده که علت اکثر آنها فرسودگی و نا ایمن بودن سرویس ها و استفاده از وسایل تقلیه کهنه و ارزان بوده است

## شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت خواستار اقدام متحد شد

شورای سازماندهی کارگران پیمانی نفت با انتشار دعوت نامه‌ی عمومی خواستار اقدام متحد در رابطه با افزایش دستمزد شد. این شورا پس از اشاره به وضعیت دستمزدها و فقر و فلاکت ناشی از آن و پیامدهای حذف ارز ۴۲۰۰ تومانی و حمایت از بیانیه های افزایش دستمزد ۱۶ میلیون تومانی خواستار انجام مشترک در این خصوص شده است

" برای خواست افزایش دستمزدها متحد عمل کنیم

پایان سال است و مساله تعیین میزان حداقل دستمزدها که قرار است به زودی در شورای عالی کار تعیین شود باز هم دغدغه همه ما کارگران شده است

در کنار این موضوع؛ تصویب کلیات لایحه بودجه سال آینده و حذف ارز ۴۲۰۰ تومانی که بی تردید شوک تورمی در پی خواهد داشت و همینطور اخذ مالیات پلکانی از حقوقهای بالای ۵ میلیون بر نگرانی های ما افزوده و آن را تعرض به معیشت همه کارگران و همه مردم میدانیم

از اینرو تاکید ما در شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت بر اتحاد سراسری ما کارگران در دفاع از زندگی و معیشتمان است

خوشبختانه تا کنون بیانیه هایی با امضای تشکلهای، نهادها و حتی جمعی های از کارگران و فعالین اجتماعی در مورد موضوع دستمزد داده شده که به اعتقاد ما سخن مشترکی دارند

معلمان و بازنشستگان نیز در اعتراضات دو ساله اخیر در همین صف قرار داشته و به حقوقهای زیر خط فقر و فقر و فلاکت اعتراض دارند

ما به عنوان شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت زیربنایی ۶ تشکل کارگری و بیانیه عمومی ای که ۳۶ امضا کننده دارد و هر بیانیه دیگری نیز که در این راستا باشد امضا میکنیم و تاکید میکنیم که با توجه به افزایش هر روزه قیمت ها و رشد وحشتناک نرخ... "تورم؛ دستمزد هیچ کارگری و هیچ حقوق بگیری نباید از ۱۶ میلیون کمتر باشد

از آزادی کیوان صمیمی شادمان ایم.

خوشبختانه تلاشها برای نجات کیوان صمیمی از خطراتی که جان و سلامت او را تهدید میکرد به نتیجه رسید و موجب آزادی این کهن مبارز مقاوم و سرافراز راه عدالت و آزادی که مشغول گذراندن حکم ظالمانه ۳ ساله اش بخاطر شرکت در تجمع روز کارگر بود گردید. این آزادی گر چه موقت است با این همه سزاوار تیریک و تهنیت و نتیجه پامردی سرافرازانه خود کیوان و مبارزانی است که در این راه از هر کوششی که توانستند انجام دهند دریغ نکردند. به امید به ثمر نشستن تلاشهای جاری برای همه آزادگان و عدالتخواهان و بیگناهان در بند استبداد و ارتجاع و آزادی دائم کیوان صمیمی از بند و زندان

## !کارگران پروژه مترو اهواز و تجمع برای ۱۵ ماه حقوق پرداخت نشده. ماه بدون حقوق

کارگران پروژه مترو اهواز بار دیگر در ۱۳ بهمن در اعتراض به پرداخت نکردن مطالبات مزدی ۱۵ ماه گذشته شان در مقابل مرکز قطار اهواز تجمع و خواستار پرداخت آن شدند. تصور ۱۵ ماه زندگی بدون حقوق هم وحشتناک است چه برسد به اینکه در عمل در این شرایط گرانی و وحشتناک برای سرپرست خانوادهای اتفاق بیفتد. گفتن اش شاید آسان باشد ولی تحمل اش نه

!اعتراض به صدور حکم زندان برای محمد حبیبی بازرس شورای هماهنگی را به مقابل مرکز بیدارگر قضایی باید کشاند

اعلام حکم ۴ و نیم سال زندان برای محمد حبیبی بازرس شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان با موجی از اعتراض و انزجار از دستگاه بیدارگر قضایی رژیم رو برو شده. علاوه بر گروه های ترقیخواه و تشکلهای کارگری و حقوق بشری در درون خود معلمان از



زمان اعلام این خبر روزی نیست که تشکلهای معلمان در شهرهای مختلف با نوشتن بیانیه، نامه و مقاله نسبت به این حکم ظالمانه اعلام انزجار و اعتراض نکنند. این اعتراضات باید هرچه گسترده تر و عمومی تر گردد تا بتواند موثر واقع شود. دادن بیانیه خوب اما کافی نیست. اعتراض برای لغو حکم آقای حبیبی و دیگر معلمان زندانی که کاری جز خدمت به خلق و محرومترین گروه های اجتماعی نکرده اند، باید به پشت در زندان ها و مرکز دستگاه بیدارگر قضایی کشانده شود. الان زمان این کار فرا رسیده است. آزادی و عدالت! الزامات و بهایی دارد که نیاستی تاوان آن را تنها حبیبی ها بپردازند

## گزارش کانال شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان از حمایت شبکه سندیکایی بین الملل اتحادیه های کارگری از اعتراضات معلمان و فرهنگیان ایران

شبکه سندیکایی بین المللی اتحادیه های کارگری بین المللی همبستگی و مبارزه گزارشی با عنوان «حرکات معلمان در ایران رو به رشد است»، از اعتراضات سراسری اخیر معلمان منتشر کرده است

در این شبکه ده ها تشکل کارگری از سرتاسر جهان حضور دارند. در گزارش این شبکه، به تحسن دوره و تظاهرات روز سوم در اقصا نقاط ایران اشاره شده و گفته شده که حرکت اخیر گسترده تر از بقیه اعتراضات بوده است. بخشی از قطعنامه شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران به فرانسوی ترجمه شده و به دیگر خواستهای معلمان، از جمله آموزش به زبان مادری و آزادی معلمان دربند اشاره شده است. در گزارش شبکه همچنین محکومیت به زندان #جعفر\_ابراهیمی به چهارسال و نیم اطلاع رسانی و اسامی چندین نفر از معلمان که بازداشت شدند آورده شده است

در این گزارش آمده است

معلمان در ایران ۳ روز اقدامات جدیدی را در ۲۹، ۳۰ و ۳۱ ژانویه ۲۰۲۲ ترتیب دادند. دو روز اول به تحسن در مدارس و روز آخر به تجمعات و تظاهرات خیابانی با توجه به امکانات اختصاص داشت

شورای هماهنگی کانون های صنفی معلمان ایران چندین هزار مطلب به همراه عکس و کلیپ در پیام رسان تلگرام منتشر کرده است. این اطلاعات گسترده به تنهایی ثابت می کند که این سه روز اقدام حتی گسترده تر از روزهای ۱۰، ۱۱، ۱۲ و ۲۳ دسامبر ۲۰۲۱ بوده است

یکی از فعالان شورا در اواسط روز ۳۰ دی ماه تایید کرد که نزدیک به ۱۱۰۰۰ مدرسه در ۲۱۳ شهر کشور و همچنین در مناطق روستایی در این حرکت شرکت کرده اند. به عنوان مثال، کانال تلگرامی شورا عکس مهر زمانی معلمی را منتشر کرد که در روستای رامچاره واقع در جزیره قشم در خلیج فارس در حال تحسن بود

معلمان در ۳۱ ژانویه مدارس را ترک کردند تا در مقابل دفاتر ادارات وزارت آموزش ملی تجمع کنند یا در خیابان ها تظاهرات کنند. هزاران نفر از معلمان شیراز با تجمع در خیابان ها خواستار استعفای وزیر آموزش و پرورش شدند. معلمان شهر کرمان بنری داشتند که روی آن نوشته شده بود: «آخوندها نباید وارد مدارس شوند». اعتراض به قصد رژیم برای فرستادن تعداد بیشتری از روحانیون به مدارس. معلمان شهرهای کردنشین مانند سقز خواستار به رسمیت شناخته شدن آموزش ##زبان\_مادری خود یعنی زبان کردی شده اند. ایران یک کشور چند ملیتی است، اما هر دو رژیم سرنگون شده شاه در سال ۱۹۷۹ و رژیم کنونی زبان فارسی را به عنوان زبان رسمی تحمیل کرده است

یکی دیگر از نکات قابل توجه سه روز اخیر معلمان در ایران، افزایش مشارکت همکاران بازنشسته، والدین و دانش آموزان در «همبستگی با جنبش بوده است. یک بازنشسته نوشته زیر را در دست داشت: ”فعالان، بازنشستگان، اتحاد، اتحاد»

شورای هماهنگی کانون های صنفی معلمان ایران قطعنامه ای به این مناسبت منتشر کرد. در این قطعنامه تصریح شده است که وضعیت آموزش و پرورش کشور بیش از پیش رو به وخامت است. سطح زندگی معلمان به شدت کاهش یافته است. قطعنامه به بودجه ریاضتی که دولت به مجلس ارائه کرده معترض است. این قطعنامه یادآور می شود که دو معلم به نام های محمدتقی فلاحی و حسین رمضان پور برای رفتن به زندان احضار شده اند. قطعنامه تصریح می کند که معلم دیگری به نام #شعبان\_محمدی نیز در ۹ دی ماه در مریوان کردستان دستگیر شد. این قطعنامه به وضوح خواسته ها را از جمله موارد زیر یادآور می شود: یکسان سازی دستمزد کارگران فعال و بازنشسته، افزایش دستمزد، پایان خصوصی سازی آموزش و پرورش، افزایش دستمزد کارکنان خدماتی در مدارس، توقف غارت پس انداز معلمان، تضمین امنیت اشتغال در آموزش و پرورش کشور، توقف تعقیب معلمان و آزادی کسانی که در زندان هستند

نیروهای امنیتی رژیم طی سه روز تحسن و تظاهرات چند معلم را دستگیر کردند که فهرست غیر کامل آنها به شرح زیر است: شعبان محمدی و جبار دوستی در مریوان، محمد – علی زحمتکش و قهرمان حاتمی در شیراز، احمد حیدری، داودی و احمدی در تهران



همچنین دادگاه اسلامی شهر کرج در تاریخ ۱۰ دی ماه حکم چهار سال و نیم حبس تعزیری را برای جعفر ابراهیمی که یکی از ناظران شورای هماهنگی کانون های صنفی معلمان ایران است تایید کرد

حمایت هیئت سیاسی اجرایی حزب چپ ایران (فدائیان خلق) از اعتراض و مطالبات فرهنگیان شاغل و بازنشسته

**! همراهی خانواده های دانش آموزان با معلمان یک ضرورت است!** از مبارزه و مطالبات فرهنگیان حمایت می کنیم  
معلمان و فرهنگیان شاغل و بازنشسته در روزهای ۹، ۱۰ و ۱۱ بهمن با فراخوان شورای هماهنگی تشکل های فرهنگیان با تحصن در مدارس و برگزاری تجمع های اعتراضی پر شمار و شکوهمند در مراکز استان ها و شهر های مختلف جهت وادار کردن دولت و مجلس به پذیرش خواسته هایشان اعتراض سه روزه دیگری را برگزار کردند. اعتراضی که به رغم همه ی تهدیدات دستگاه سرکوب برای جلوگیری از آن به مراتب گسترده تر و پر شمار تر و سازمان یافته تر از اعتراضات ماه های گذشته بود.

حمله ی نیرو های سرکوب به تجمع های مسالمت آمیز روز ۱۱ بهمن در برخی شهر ها و بازداشت ۷ تن از فعالان صنفی و اعلام حکم ۴ و نیم سال زندان برای جعفر ابراهیمی بازرس شورای هماهنگی تشکل های صنفی فرهنگیان با شکست روبرو شد. در همین روز سرکوبگران نتوانستند مانع برگزاری موفقیت آمیز و شکوهمند این حرکت اعتراضی سراسری شوند که دامنه ی حرکت اعتراضی از میان کلان شهر ها تا مناطق روستایی دور افتاده امتداد یافت، هم از این رو بود که نیرو های سرکوبگر در اثر ادامه ی اعتراضاتی که با خواست آزادی بازداشت شدگان انجام گرفت ناگزیر شدند اکثریت آن ها را آزاد کنند.

مهم ترین درخواست های معلمان شاغل و بازنشسته، اجرای رتبه بندی، همسان سازی، آزادی معلمان زندانی و آموزش رایگان است. رد لایحه ی رتبه بندی سر هم بندی شده ی مجلس توسط شورای نگهبان نیز جزو موضوعات اعتراض سه روزه ی معلمان بود که در گسترده تر شدن دامنه ی اعتراض بی تاثیر نبود.

گسترش اعتراضات معلمان نشان می دهند که حکومت با سرکوب و امتناع از پذیرش خواسته های زحمتکشانی که افزایش دستمزد بالاتر از خط فقر و حق داشتن تشکل در راس آن ها قرار دارد، نمی تواند به این اعتراضات خاتمه دهد. این خواسته ها چیزی نیستند که کارگران و معلمان بتوانند از آن ها کوتاه بیایند.

افزایش دستمزد اینک به خواست همه ی مزد و حقوق بگیران اعم از معلم، کارگر و کارمند تبدیل شده است. این خواست مشترک برای این که بتواند عملی بشود مستلزم مبارزه ی مشترک، هم زمان و سراسری توأم با حمایت این گروه ها از همدیگر است. به همین جهت ضرورت اکید دارد که تشکل های موجود برای سازماندهی حرکت های مشترک جهت رفع موانع سیاسی بهبود دستمزد و حقوق و موانع سازمانیابی گروه های مزد و حقوق بگیر تلاش مضاعف نمایند. اعتراضات پراکنده به راحتی می توانند سرکوب و بی نتیجه بمانند. اما اعتراضات گسترده را نمی توانند به آسانی سرکوب کنند و نسبت به مطالبات آن بی تفاوت بمانند.

هیئت سیاسی اجرایی حزب چپ ایران (فدائیان خلق) بار دیگر با حمایت از مطالبات به حق فرهنگیان کشور، همبستگی خود را با مبارزات آنان و ادامه ی آن تا حصول به نتیجه اعلام می کند و از کارگران و سایر مزدبگیران، دانش آموزان همراه با خانواده خود، و از اعضا و دوستداران حزب می خواهد در هر کجا که هستند و به هر طریقی که می توانند از مبارزات اعتراضی، مطالباتی، دموکراتیک و عدالت خواهانه ی معلمان تا رسیدن به حقوق شان پشتیبانی و با آنان همراهی کنند و اجازه ندهند حکومت این حرکت مدنی تاریخی و راهگشا را سرکوب کند. ما بازداشت و زندانی کردن رهبران و اعضای شورای هماهنگی تشکل های فرهنگیان توسط حکومت را محکوم می کنیم و از همه ی نیرو های آزادیخواه دعوت می کنیم با سازماندهی مبارزه ی مشترک همراه با خانواده های زندانیان سیاسی، رژیم را وادار به آزادی معلمان زندانی و دیگر زندانیان سیاسی و مدنی نمایند.

هیئت سیاسی - اجرایی حزب چپ ایران (فدائیان خلق)

۱۳ بهمن ۱۴۰۰ - ۲ فوریه ۲۰۲۲

**از مبارزه کارگران و مزد و حقوق بگیران برای ایجاد سندیکا و تشکلهای مستقل کارگری حمایت کنیم!**

**متحدانه برای آزادی کارگران، معلمان و زندانیان مدنی و سیاسی مبارزه کنیم!**

**متحدانه علیه سیاست فقر و فلاکت آور شوک درمانی و آزاد سازی قیمتها مبارزه کنیم!**



عکس تجمع اعضای شورای اساتید علیه عدم اختصاص بودجه برای همسان سازی



تجمع اعتراضی کارگران واحد ترابری نفت و گاز زاگرس جنوبی بخاطر عملی نشدن وعده‌ها



شروع موج اعتراضات پرستاران، پزشکان مناطق محروم و کادر درمانی برای افزایش حقوق، پرداخت به موقع کارانه و علیه کار  
شرکتی و قرار دادهای ۸۹ روزه

**\*برای تماس با نشریه "جنگ کارگری" می توانید با آدرس زیر تماس بگیرید:**

**sabosob@gmail.com**

**\*"جنگ کارگری" نشریه گروه کارگزاری حزب چپ ایران (فدائیان**

**خلق) را می توانید در آدرس زیر ببینید:**

**<https://bepish.org/taxonomy/term/457>**